تحاشی عرف در تبعض روز نسبت به شروع ماه؛ روایت اهل بطن نخله

(13:11)

ببینید مرحوم آقای خوئی وقتی از موسوعه اولی‌ـایشان جواب دادند، پذیرفتند. در صفحه هشتاد، بعد از اینکه خروج از تحت‌الشعاع ظاهره سماویه است، می‌فرمایند: «هذا ما أردنا من حدیث بدایة الخروج لبدایة الشّهر»؛ وقتی از تحت‌الشعاع خارج شد شهر آغاز می‌شود اما محاسبه از چه زمانی است؟ «أمّا بدایة الحساب»؛ یعنی بگوییم ماه به‌عنوان تقویم آغاز شد، «فلابدّ أن تكون من أوّل اللّیل لیلة الرؤیة»؛ اول شب شروع حساب است.

اصلاً در عرف عرب یک جور تحاشی داشتند که روز را تکه کنند. الآن هم عرف عام دنیا همینطور است. شما ببینید عرف عام می‌پذیرد که بگویند امروز تا ساعت هشت صبح یک شنبه باشد و بعد از آن دوشنبه باشد! ابا‌ء دارند. یعنی وقتی می‌خواهند به یک عنوان واحد به یک روز برچسب بزنند، از تکه کردن آن تحاشی دارند. عرف عرب هم همینطور بوده. همین امروز دیدم؛ در صفحه روایت عمر بن یزید -اهل بطن نخله- بود؛ حضرت فرمودند:

> **إن المغيريه يزعمون أن هذا اليوم لهذه الليلة المستقبلة فقال كذبوا هذا اليوم لليلة الماضية إن أهل بطن نخلة حيث رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام[1]**

در «قد دخل الشهر» نزاعی مطرح بود. در لسان العرب و تاج العروس هم آمده بود. جالب است، در همان صفحه[فدکیه] هم اضافه کردم، ذیل کلمه «فلتة» است. بحث مفصلی می‌آورد پیرامون قول خلیفه ثانی که «انّ بیعة ابی بکر کان فلتة وقی الله شرها». می‌گویند که این «فلتة» به چه معنا است. در لسان العرب برای بیان معنای «فلتة» دو-سه وجه می‌آورد. تا اینجا که می‌گوید

> **و الفلتة: آخر لیلة من الشهر. و قیل: الفلتة آخر یوم من الشهر الذي بعده الشهر الحرام[2]**

بعد می‌گوید: چرا «فلتة» می‌گفتند؟ چون عرب خون داشتند و ناراحت بودند. یک دفعه می‌دیدند تا حال تحمل کرده‌اند، الآن است که ماه حرام شروع می‌شود و دیگر دستشان بسته می‌شود. آن لحظات

آخر حمله می‌کردند؛ «يَعيرون/ يُعيرون»؛ حال ای آن غیرت‌شان به جوش می‌آمد ای اغاره و حمله می‌کردند برای شبیخون زدن. این کارشان بود. نکته‌ای که جالب است، این است که می‌گوید وقتی هلال را می‌دیدند، ولو هلال را دیده بودند اما تا شمس غروب نکرده بود، حمله را انجام می‌دادند. یعنی تحاشی این معنا نزد عرب عرفی بود. در تفسیر عیاشی دارد که امام علیه‌السلام در تفسیر آیه فرمودند: «ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيامَ إِلَى اللَّيْلِ يعني صيام رمضان، فمن رأى هلال شوال بالنهار فليتم صيامه»

[3]؛ یعنی روز را تکه نکنید. درست است که هلال شوال را در روز دیدی، اما این روز تکه شدنی نیست. این سی ام ماه مبارک است و روزه سی ام هم واجب است. پس تا غروب، سی ام است. ولی هلال هم هست. لذا در لسان العرب تصریح می‌کند که تا غروب شمس نبود، آنها حاضر نبودند بگویند شهر حرام داخل شد. یعنی بادیه الحساب‌شان از غروب بود. ولو قبلش هلال را دیده بودند.

خب سؤال این است که وقتی هلال را دیده بودند، وقتی می‌گویند این هلال هلال ماه رجب است، هلال شوال است، این اضافه اضافه مجازیه است؟ یا نه، اضافه حقیقیه است؟ اگر اضافه مجازیه است، دخول شهر هم حقیقی می‌شود. بادیه الحساب با دخول شهر یکی می‌شود. اما اگر هلال شوال حقیقی است، بادیه الحساب آن از اول شب است چون می‌خواهند تکه نکنند؛ روز قبل و شب بعدی را تکه نکنیم؛ اگر برای این جهت است که می‌خواهند تکه نشود شما چه مشکلی دارید که بگویید هلال شوال هلال حقیقی است؟! لذا لازمه اش این می‌شود که اگر بر فرض حدیث بیاید که «لاتنظر الی هلال شوال»، اگر بگوییم هلال شوال یعنی به هلالی که در ماه شوال حلول کرده نگاه نکن، اگر هلال را قبل از غروب آفتاب دیدی مانعی ندارد که به آن نگاه کنید. چون مجازاً هلال شوال است. هنوز باید صبر کنید تا غروب آفتاب بشود؛ تازه «دخل الشهر». اما اگر بگویید حقیقی است؛ یعنی هلال، هلال شوال است، «لاتنظر» آن را می‌گیرد و نباید به آن نگاه کنیم. ولو هنوز به دخول شهر محاسبی مانده است. اینها نکات مهمی است. خب حالا که اینها را عرض کردم، به فرمایش سید می‌رسیم.

شاگرد: خود خورشید گرفتگی یک امر نسبی است. یعنی جوری بشود که نور خورشید دیده نمی‌شود. نسبت به بقاع مختلف فرق می‌کند. به خلاف اهلال هلال که وقتی می‌چرخد از تحت‌الشعاع خارج می‌شود.

استاد: نه، شما به این صورت تفسیر می‌کنید. من به این صورت می‌گویم که خورشید گرفتگی «حیلولة القمر بین الارض و الشمس» است. این تعریفش درست نیست؟!

شاگرد: این یک نحو خروج از معنای عرفی است.

استاد: کجا خروج است؟! اتفاقا الآن در همه دنیا وقتی می‌خواهند بگویند کسوف چیست، می‌گویند ماه بین زمین و خورشید می‌آید و نور خورشید گرفته می‌شود. نمی‌گویند وقتی ما نگاه می‌کنیم می‌بینیم اینجا تاریک شده است.

شاگرد: فرق می‌کند یک جا گرفته می‌شود یک جا گرفته نمی‌شود.

استاد: گرفته شدنش که مطلق است. اینکه کجا این گرفتگی را ببینند خارج از آن حیلولت است.

آن چه که جالب است، این است: در این بحث لطائفی هست. ما نمی‌خواهیم از واضحات عبور کنیم. واضحات، تحاشی عرف از تبعّض روز و شب است. یک برچسب می‌زنند؛ شب اول است و تمام. نه اینکه دو ساعتش برای ماه قبل است. خود عرف عرب هم غیر از ادله «اتمّوا الصیام الی اللیل»، از این معنا تحاشی داشتند که یک شب را تبعض کنند. اما اینکه چطور شد بین روز خوردند، بعدا به آن می‌رسیم.

[1] الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج ٨ ؛ ص٣٣٢

[2] لسان العرب ؛ ج ٢ ؛ ص٦٧

[3] تفسير العيّاشي نويسنده : العياشي، محمد بن مسعود جلد : ١ صفحه : ٨۴

بازبينى #2
ايجاد شده 15 ژانويه 2026 15:13:38 توسط ... .
به روزرسانى شده 15 ژانويه 2026 15:26:04 توسط ... .